

در اینکه اینگونه اعمال برای آمر ایجاد مسئولیت جنایی یا جنحه و یا خلافی میکند هیچ محل بحث نیست ولی باید دید آیا مسئولیتی هم متوجه مأمور تابع اعم از نظامی یا غیر نظامی میشود یا نه؟ برای حل قضیه باید تفکیک زیر را قائل شد:

۱- در بعضی موارد که تماس با انتظامات عمومی دارد و توهم این میرود که سرپیچی مأمور تابع، موجب هرج و مرج و اختلال نظم عمومی خواهد شد. مسئولیتی متوجه مأمور تابع نمیشود بشرطی که ثابت نماید اولاً از طرف رئیس مافوق او که ملزم باطاعت از او بوده صادر شده است و در ثانی اینکه امر صادره در حوزه اختیارات رئیس مافوق بوده است.

۲- در غیر موارد فوق که عدم اطاعت موجب توهم هرج و مرج نمیشود، چنانچه مأمور تابع واقف نباشد که امر صادر بر خلاف قانون است مسئولیتی متوجه او نمیشود ولی چنانچه معلوم شود که مأمور تابع به قانونی بودن امر معرفت داشته مسئولیت متوجه او هم میشود.

ولی متأسفانه ماده ۴۲ بر خلاف این عقیده تنظیم شده و ممکن است در اثر سوء تعبیر از آن قوانین جزایی دست خوش هوا و هوس رؤسای مافوق شود

کتاب دوم - در مجازات

باب اول - سبب مجازات

مجازات و وظائف آن - تدابیر تأمینیه - مجازات مظاهر عکس العملی است که جامعه بر علیه مجرم نشان میدهد این مجازات عبارت از رنج و صدمه بوده که تحمیل بر مجرم میشود؛ امروز قوانین جزایی سعی دارند که مجازات هم بنفع جامعه و هم بنفع مجرم منتهی شود در این صورت آنرا وسیله‌ئی برای رسیدن به منظور خود گرفته‌اند نه علت غائی. مجازات باید طوری باشد که هم موجب کفاره گناه مجرم شود و هم موجب دفاع جامعه تا در آتیه دیگر نظیر آن جرائم اتفاق نیفتد.

علاوه بر مجازات که واجد دو وظیفه فوق میباشد بعضی تدابیر تأمینیه هستند

که فقط از جهت دفاع اجتماعی بکار میروند ، مثل تدابیر مربوط به تربیت و قیومیت و غیره .

فرق اجتماعی و قضائی ، بین مجازات و تدابیر تأمینیه زیاد است من جمله این که مقررات مربوط به مرور زمان و عفو ، تنها در مورد مجازات اعمال میشود نه تدابیر تأمینیه .

اصول مدیریت مجازات

اصل مهمی که در مورد مجازات همیشه باید ملحوظ شود همانا مسئله قانونی بودن آن است ، روی این اصل چنانچه قاضی مبادرت به تعیین مجازات‌هایی نماید که از طرف قانون پیش بینی نشده باشد مسئول خواهد بود .

ولی باید دانست که غیر از موارد استثنائی که مجازات مطلقاً از طرف قانون معین شده اند (مثل اعدام و حبس دائم) عموماً بطور نسبی در قانون تعیین میشود طریقه نسبی در تعیین مجازات بقاضی اختیار میدهد که طرز مجازات و میزان آن را متناسب با رضعیات و روحیات متهم معین نماید .

نسبی بودن تعیین مجازات بوسایل زیر انجام داده میشود :

۱ - قاضی اختیار دارد بین حداقل و اکثر مجازات تا میزانی که مفید است معین نماید .

۲ - در بعضی مواقع قاضی حق دارد از چند مجازات هر کدام را مفید تر میدانند تعیین نماید .

۳ - در بعضی مواقع قاضی حق دارد که در ضمن تعیین مجازات اصلی مجازات تبعی معین نماید .

۴ - به قاضی حق داده شده است که با مراعات کیفیات مخفقه ، مجازات را تخفیف دهد .

۵ - قوه مجریه حق دارد که با اعطاء عفو ، مجازات‌ها را طبق مقررات بخشیده یا تبدیل به مجازات خفیف‌تر بنماید .